

چاره ی کارگران
وحدت
و
تشکیلات
است!

همبستگی کارگری

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان
h.karegary87@gmail.com



سرمقاله :

نظر شما چیست؟

طبق آمار از بخش های مختلف سازمان ملل متحد، افغانستان در حال حاضر بزرگترین تولید کننده مواد مخدر جهان است. آمارها می گویند پس از استقرار نیروهای سرمایه داری جهان در قالب نیروی نظامی سرمایه داری (ناتو) در سال ۲۰۰۱ به بهانه ایجاد صلح، مبارزه با تروریسم، مبارزه با باندهای قاچاق و حفظ امنیت منطقه ای و جهانی در افغانستان که پس از گذشت هشت سال به اهداف ظاهری و اعلام شده خود نرسیده اند اما واقعیت این است که سرمایه داران با استفاده از نیروی نظامی، رسانه ها و... خود، به اهداف پنهان خویش رسیده اند، از جمله استقرار به صورت نظامی در منطقه که سالهای متمادی طول خواهد کشید، ایجاد تنش های مداوم در منطقه که صحنه های از آن در هند، پاکستان، سریلانکا و بنگلادش و پیچیده تر کردن اوضاع منطقه و جهان، همچنین وارد کردن مجدد طالبان به عنوان شریک در حاکمیت افغانستان که طی مذاکرات پنهانی یک سال اخیر میلادی در امارات متحده عربی، انگلیس و افغانستان انجام گرفته است (و امروز آمریکا به تمامی دولتهای سرمایه داری پیشنهاد مذاکره با طالبان را می دهد.) و به توافق رسیده اند حکمتیار را از راه های کلاه شرعی وارد جریان حکومتی نمایند و همچنین توافق شده است تعداد دیگری از مقامات ارشد دولت طالبان وارد جریان حاکمیت سیاسی افغانستان شوند. از طرفی طی هشت سال گذشته به لطف حضور ارتشهای حافظ سرمایه داری زمین های زیر کشت خشخاش در افغانستان از هشت هزار هکتار در سال ۲۰۰۱ به ۱۵۷۰۰۰ هکتار در سال ۲۰۰۸ رسیده است و طی همین هشت سال تولید تراک ۴۴ برابر گردیده و طبق آمارهای رسمی ۹۰٪ هروئین جهان در افغانستان تحت اشغال ارتشهای سرمایه داری (با حمایت آنها و با حمایت های مستقیم و غیر مستقیم حکومت فاشیستی - اسلامی ایران از جمله ۶۰۰ میلیون دلار کمک به استقرار حکومت جدید پرداخت کرده است و در مثلاً" بازسازی افغانستان همه گونه شرکت دارد.) ...

ادامه در صفحه ۲

شماره چهارم - اسفند ۸۷

- در این شماره :
- ۱- سرمقاله (نظر شما چیست؟)
 - ۲- بررسی اخبار غارتگرهای حکومت اسلامی
 - ۳- بحران جهانی نظام سرمایه داری، ...
 - ۴- (آیا رژیم اسلامی ولایت فقیه ضد ...
 - ۵- اخبار خلی داخلی
 - ۶- نگاهی تجربی و انتقادی به تشکلهای موجود کارگری (سوم)
 - ۷- کارگران راه آهن تبریز و ایرانخودرو
 - ۸- مصاحبه



ادامه صفحه آخر

سال نومیبارک

امسال نیز با مشکلات بسیاری...

کارگران ؛ باتشکیل اتحادیه و سندیکاهاى خود، سنگری درمقابل
بهره کشی و استبداد سرمایه داران به پا کنیم.

تولید و توزیع می گردد. این آش آنقدر شور شده است که هیلاری کلنتون وزیر امور خارجه اوپاما دولت کنونی افغانستان را که دست ساز امریکا است دولت موادمخدر می نامد.

در همین حال کشورهای صف مقدم سرمایه داری با افزایش نقاط تنش زا در جهان بخصوص آسیا هدف خاصی را دنبال می کنند. آنچه در شروع تجاوز اعلام کرده بودند و آنچه که بدست آوردند متفاوت بوده و عبارتند از:

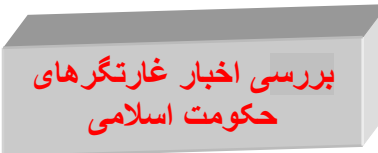
- ۱- ایجاد صلح که به گسترش جنگ و تجاوز و نقاط تنش زا منجر گردیده است
- ۲- مبارزه با تروریست های که دست ساز و دست پرورده خودشان بودند و در این اواخر مستقل شده بودند بنابراین با مذاکرات اخیر می خواهند دوبار به خودشان وصل کنند. و خود به تروریسم بدل شده اند
- ۳- مبارزه با مواد مخدر و باندها قاچاق که با افزایش ۴۴ برابری تریاک و رسیدن به تولید ۹۰% هروئین جهان هدف تکمیل شده است
- ۴- حفظ امنیت در منطقه که با گسترش ناآرامیها و تنش ها به هند، پاکستان، سریلانکا، دارفور، عراق و زخم کهنه جهانی، فلسطین و اقدام به ایجاد مناطق دیگر تنش زا از جمله قفقاز "حفظ امنیت" را نیز نشان می دهد.

از این کار ها اهداف اصلی دولت های سرمایه داری چیست ؟

ما می گوئیم آنها می دانند با توجه به روند اقتصادی جهان مزیت های که در رابطه با نیروی کار ارزان و مواد اولیه و مواد سوختی فراوان و بازار مصرف بالا در آسیا و افریقا وجود دارد مرکزیت اقتصاد از اروپا و امریکا به سمت آسیا و افریقا در حال تغییر محل است به همین دلیل با مرکزیت یافتن این مناطق حرکت ها و انقلابات کارگری نیز در کشورهای این منطقه که زمینه ها و پتانسیل انقلاب کارگری بسیار بالائی دارند رخ خواهد داد، بنا براین، آنها می خواهد قبل از انتقال یافتن مرکزیت اقتصادی منطقه را به طور

ریشه ای در اختیار داشته باشند و زمینه های انقلابات کارگری را به زمین سوخته تبدیل نمایند. **کمونیستها و کارگران انقلابی باید خود را برای یک مبارزه سرنوشت ساز و جانانه آماده کنند.**

نظر شما چیست؟



واسطه گری وزارت اطلاعات

بنا به اخبار رسیده :

وزارت اطلاعات حکومت سرمایه داری فاشیستی - اسلامی به عنوان اصلی ترین نیروی چماق دولت سرمایه داری علیه طبقه کارگر در کنار شغل شریف سرکوب مانند سپاه و تمامی نهادهای جمهوری اسلامی با سوء استفاده از موقعیت های دولتی و نظامی به کار های اقتصادی (واسطه گری) هم دست زده اند، تا از بقیه دزدان عقب نمانند وزارت اطلاعات اخیرا وامی به مبلغ ۲۵۰۰۰ میلیارد تومان از بانک انگلیسی رویال شعبه دویی با ۴% بهره در یافت کرده و با ۲۴% (۲۰% اضافی) به متقاضیان در داخل ایران وام می دهد. این گونه است که سرمایه داران داخلی و جهانی در هرچه بیشتر کشیدن ارزش اضافی از طبقه کارگر با هم متحد می گردند. و از طرفی با بدهکار کردن کشور به سرمایه های خارجی آینده سرنوشت کشور و کارگران را گرو می گذارند که وقتی کارگران انقلاب کردند و پیروز شدند همین بدهی ها به اهرم های فشار و ابزار های بحران برای حکومت کارگری تبدیل خواهند شد.

اگر چه ربا در "دین مبین اسلام" حرام است ولی از قرار معلوم، اگر در خدمت اهل دین، مسلمانان و قاتلین پیشانی کیره بسته باشد، برای حاکمان اسلامی مانند صدور دختران مردم به کشور های دیگر اشکال شرعی ندارد، ربا نیز نه تنها اشکال ندارد بلکه عین شرع و عدالت اسلامی است.

دور نیست زمانی که انقلاب توفنده کارگران به عمر ننگین سرمایه داران اسلامی و غیر اسلامی ایران و همچنین نظام جمهوری اسلامی پایان بدهد و با برقراری حکومت

شورائی کارگری برای همیشه به بهره کشی و استبداد به هر شکل آن خط بطلان بکشد.

« حکومت اسلامی از زبان روزنامه ها و مسئولین حکومتی »

در حکومت نظامی - اسلامی ۱۰۰۰ خانواده میلیا در (عسکراولادی ها ، رفیق دوست ، رفسنجانی ، محسن رضائی ، آیت الله العظمی طیبسی ، آیت اله مهدوی کنی ، امامی کاشانی ، ناطق نوری و...) چپاول و غارت اموال عمومی ، رشوه ، فساد آنقدر علنی و زیاد شده است که مسئولین و روزنامه های حکومتی در رقابت با رقیبان و در مسابقه « تو بخور من بخورم» مچ همدیگر را باز کرده ، باعث آشکار شدن گوشه ای از فساد و جنایات فاشیستی ی اسلامی می گردد که در زیر نمونه هایی از آن بازگو می شود :

• غارت و چپاول اموال عمومی

همچنان ادامه دارد . بدنبال افشای روزنامه ها درپس ندادن ۲۷۰۰۰ میلیارد تومان وام دریافتی توسط میلیاردهای وابسته به باندهای مختلف درون نظام فاشیستی - اسلامی، مانند خانواده های روحانیان بزرگ و کوچک ، باندهای سپاهی ، باندهای اطلاعاتی ولابی های مختلف داخل نظام به بانکها، **عزت الله یوسفیان** عضو ستاد مبارزه با مفاصد اقتصادی اعلام کرد (پرونده تسهیلاتی که در آن ۸۴ نفر هشت هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به صورت وام از بانکهای دولتی خارج کرده اند در دستور کار قرار گرفته است) وی گفت « برخی مدیران با سلیقه های متضاد و عدم تسلط کافی در سازماندهی بانک های دولتی کشور باعث دریافت وامهای میلیاردی از سوی افراد خاص شده اند» (اما یوسفیان نمی گوید منظورش از افراد خاص چه کسانی هستند). بدنبال حاکمیت دولت مهر نواز احمدی نژاد که تمام افراد اطلاعاتی و پاسدار بر امور بانکها و مشاغل دیگرگمارده شده اند (ازدنبالچه ها و جرسومه های فساد باندهای حکومتی و آیت اله ها هستند) ثروت و پول های زیان بسته مردم، این بار توسط اصولگرایان و آبادگران، دقیقاً مانند بارهای قبل که توسط کارگزاران و اصلاح

طلبان در دوران رفسنجانی و خاتمی بازچاپول شده به جیب هزار خانواده میلیاردر اسلامی سرازیر می گردد .

- به نقل از ایران(روزنامه حکومتی) که حافظ اسرار غارتگران حکومتی است که از افشاء نام غارت گر(نماینده مجلس) صرف نظر کرده است. نوشت « باخبر شدیم که برادر یکی از نمایندگان اصلاح طلب مجلس هشتم وامی ۸۰۰ میلیونی دریافت کرده است » اگر با سفارش یک نماینده مجلس فاشیستی- اسلامی سرمایه به داداش او ۸۰۰ میلیون وام می دهند، خود نماینده چقدر دست اش برای غارت و چاپول اموال عمومی باز است، بی خود نیست با کمک باندهای حکومتی میلیارد ها تومان برای انتخاب شدن خرج می کنند.

- رئیس اتاق بازرگانی تهران نماینده سرمایه داران بخش خصوصی اسلامی آقای آل اسحاق گفت: « رقم ۶۰۰ میلیارد دلاری توزیع یارانه سوخت در کشور طی سالهای گذشته دود شده است » در روزنامه ایران ، جناحها و باند های سرمایه داری حکومتی در رقابت برای غارت پولهای آزاد شده از حذف یارانه ها مسابقه گذاشته اند منظور آل اسحاق از دود شدن یعنی تنهایی خورده شد در سایه حکومت فاشیستی - اسلامی سرمایه بجزء "خدا" کسی حق ندارد نفس بکشد حتی جناحهای رقیب غارت، چون در آن صورت پته غارتگریهای سرمایه داران مسلمان روی دایره ریخته می شود.

- بدنبال روی کار آمدن دولت مهرنواز احمدی نژاد که دایره اختیارات اقتصادی را به افراد نظامی - اطلاعاتی سپرده است فریاد سرمایه داران خارج از گود (از جمله نمایندگان اتاق بازرگانی) برای بردن سهم بیشتر درآمده است آقای مزونی گفت : «کاهش قیمتها در کشور را که علت آثار بحران جهانی رخ داده به عنوان نتایج مبارزه بانک مرکزی با تورم به

حساب نیاورید افتخاری این چنین از یک فاجعه اقتصادی جهانی شایسته بانک مرکزی نیست... مثال دیگر کاهش قیمت مسکن است از وزارت مسکن استدعا دارم از کاهش قیمت مسکن و اجاره بها خوشحال نشود چرا که چنانچه این رویه ادامه یابد... با بحران مسکن مواجه خواهیم شد »

- علی رغم ثروتهای میلیاردی کشور حاصل از درآمدهای نفت و گاز رقابتها ... بدنبال غارت و چاپول عمومی در دولت مهر نواز سرمایه، موج بیکاری علاوه بر آمار ۸ میلیونی بیکاران در راه است. آقای بهروز صادقی رئیس کمیسیون صنعت اتاق ایران گفت: « رکود اقتصادی در حال تبدیل شدن از حالت یک بحران آرام به بحرانی تند و خاموش برای واحدهای تولیدی است ، این در حالی است که از ۳۰ هزار میلیارد تومان پول حاصله از حذف یارانه ها میتوان برای هر نفر ۳۰ میلیون سرمایه گذاری و برای یک میلیون نفر شغل ایجاد کرد »

همیشه جناح های مختلف سرمایه داری در حال رقابت با یکدیگر برای فریب مردم بخصوص کارگران سخن از برنامه ریزی و ایجاد شغل و ... به میان می آورند اما در بهترین حالت زمینه را برای هرچه بیشتر کردن غارت و چاپول عمومی آماده می کنند که طی دوره های قبلی که اصلاح طلبان سر کار بودند دیده ایم که بچه آخوندها وحشم و خدمشان چطوری در ناف اروپا صاحب ویلا می شوند و یا فائزه خانم نصف اتوبانهای کانادا را صاحب میشود... ما میگوییم: تنها راه نجات، نابودی حکومت سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است!!

- پس از تعریف و تمجید از حکومت فاشیستی حاکم بانک جهانی مجبور به اعتراف شد که « یارانه های گسترده بخصوص در بخش های انرژی، یارانه های اعتباری بخش های را به سمت ثروتمندان و اغنیا سرازیر می کند به عنوان مثال در یارانه مواد غذایی و دارو و بنزین ثروتمندان ۲ برابر بیشتر از فقرا استفاده می کنند» از این طریق می توان درک کرد ، منظور از هدفمند

کردن یارانه ها چیست؟ یعنی نمایندگان و عوامل سرمایه داری شور و مشورت کردند تا هرچه بیشتر از طریق حذف یارانه ها سود به جیب سرمایه داران سرازیر کنند.

- آقای محصولی وزیر میلیاردر دولت مهر نواز با خانه ۶۴ میلیاردی و به اعتراف خود سرمایه ۱۸۴ میلیاردی تومانی (جلو چشم) گفت: «مبانی برنامه چهارم مفتضحانه و شرم آور است... » وازعمده ترین علل انحلال سازمان مدیریت و برنامه گفت : « وزرا الزام به پرداخت سکه و رشوه برای اخذ بودجه از آن سازمان بودند؟! » کسی که یک پاسدار لخت و پتی بود وبا غارت میلیاردی فقط ۱۸۴ میلیارد جلو چشم دارد به سازمان همکاران بدتر از خودش لقب دزدی می دهد. با توجه به این افشا شدن ها که مشتی از خروار است تنها راه چاره نابود کردن این نظام است، تا زمانی که جمهوری فاشیستی - اسلامی برقرار است وای به حال کارگران و زحمتکشانش!!!

- آقای عبدالرضا عصری وزیر رفاه حکومت ۱۰۰۰ میلیارد اسلامی اعتراف کرد(چرا نرخ بیکاری و تورم کشور ۲ رقمی است و یا آنکه نا برابری اقتصادی ۱۶ است ... بعضی ها توان وام چند میلیارد تومانی را به راحتی از بانکها دارند اما یک فرد فقیر نمی تواند زندگی خود را به راحتی بگذراند) لازم به توضیح است که وزیر حکومتی فاشیستی - اسلامی مهر نواز بخوبی دلیل این مسائل را می داند که ۱۰۰۰ میلیارد اسلامی بلای جان ۷۰ میلیون انسان شده اند اما آش آنقدر شور شده که خان هم فهمیده ، ردالت ، دزدی و رقابت در غارت آنقدر شدید شده که خودشان هم مجبور به اعتراف و افشای یکدیگرند!!

- در پی توافق ۷ آذر مقامات بانک مرکزی و بانک های دولتی با وزارت کار مقرر شد تا ۷ هزار میلیارد تومان بر گردش بنگاههای اقتصادی در اختیار این وزارت

قرار داده شود که ۱۰۰۰ میلیارد تومان بر اساس آئین نامه ۳۰۳۳۰ به وزارت کار در همین ماهها داده میشود» در حالیکه ۲۷۰۰۰ میلیارد تومان پول مردم از بانکها به صورت وام توسط باندهای قدرت و حکومتی برداشت شده و پس داده نمی شود بزرگ ترین کارخانه های بدهکار که می توانند باکمک ۳ یا ۴ میلیاردی دوباره کار کنند دولت مهر نواز بعنوان سگ پاسیان سرمایه داران، اینگونه با سرنوشت میلیونها کارگر بازی می کند .

تحول اقتصادی و هدفمند کردن

یارانه ها یعنی دزدی از جیب مردم در روز روشن. چند مدتی بود که مسئولین حکومتی از تحول اقتصادی بزرگ حرف زده و مردم را بشارت به کارهای بزرگ می دادند که در حمله اسرائیل به غزه حجت را دولت نظامی - اسلامی تمام کرده و در روز دوم حمله آقای رئیس جمهور مهرنواز این طرح و بشارت را با یک فوریت در مجلس اسلامی به تصویب رساند. طرز بیان و ایما و اشاره ای با زبان کرولال صحبت کردن دولت اسلامی و انتخاب روز حمله اسرائیل به غزه برای تصویب این طرح جای هیچ گونه شکی را برای مردم زحمتکش باقی نگذاشت که زیر کاسه نیم کاسه ای است، چرا در شرایط عادی این طرح به مجلس برده نشد؟ و در موقعی که تمامی مطبوعات و رادیو و تلویزیون موضوع غزه را ۲۴ ساعته تبلیغ و اذهان مردم را منحرف کرده بودند صورت گرفت؟! مثل اینکه دولت نظامی - فاشیستی اسلامی با دولت نظامی نژاد پرست صهیونیستی اسرائیل از قبل قرار و مدار گذاشته بودند، که اسرائیل در ماه محرم به غزه حمله کند تا تمامی کاسه و کوزه های شکسته شده و تبعات تحول اقتصادی در جو تبلیغات فاشیستی- اسلامی گم و گور شود، اما برآستی چرا دولت مهرنواز از علنی کردن آن می ترسید و هدف این طرح چیست؟ بطور صاف و ساده هدف حکومت

اسلامی در ادامه سیاستهای تشدید بهره کشی کارگران و مردم ستم دیده (خصوصی سازی آموزش و پرورش، آموزش عالی، بهداشت و درمان، تامین اجتماعی و ...)، برداشتن یارانه هایی است که از جیب خود مردم برداشته میشد و آزاد کردن قیمت های مخصوصا " نفت، گاز، برق و ... و در خوش خدمتی و خوش رقصی به اربابان هم طبقه های جهانی خود در جهت چپاول و غارت بیشتر است. در این سیستم با دادن چندر غاز پول سالیانه به خانوارهای زیر خط فقر(در صورتی که حتی اگر واقعا عملی شود قبلا" در گردش اقتصادی بیش از آن به بهانه آن روی هزینه ها کشیده شده است) از طرف دیگر صدها برابر بیشتر از طریق اقدامات بیان شده مردم غارت میشوند. مبلغی به اعتراف حکومت نوکران سرمایه در هر ماه به جیب آخوندها و باندهای حکومتی وارد میشود بر اساس فروش نفت از ۲۵ تا ۴۸ دلار ۲۴ تا ۴۰ میلیارد دلار در ماه میباشد اموالی که مال خود مردم بوده (نفت، گاز، و برق و آب) بدستور اربابان امپریالیست خارجی باید به قیمت جهانی به مردم فروخته شود تا بر ثروتهای میلیاردی سرمایه داران اسلامی و غیر اسلامی(سرمایه داران داخلی و خارجی) افزوده شود. **۲۴ تا ۴۰ میلیارد دلار یعنی چیزی در حدود ۲۴۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ میلیارد تومان در ماه در عوض زحمتکشان باید خون استفراغ کنند. بله این است واقعیت.** دولت فاشیستی - اسلامی سرمایه از معلم بزرگ خود گوبلز بخش تبلیغات حزب فاشیست آلمان یاد گرفته است، که دروغ هر چه بزرگ باشد باور آن برای مردم راحتتر است، چون مردم می گویند که دیگر دروغی به این بزرگی امکانپذیر نیست پس باور می کنند. در این بین دعوی حکومتیان بر سر سهم بیشتر از این چپاول است. مثلا" **علی شمس اردکانی** از نمایندگان بخش خصوصی سرمایه

داری در مقابل دولت نظامی احمدی نژاد در یک مسابقه برای غارت این پولها باد آورده (۲۴۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ میلیارد تومان) پیشنهاد می کند» که ۵۰ درصد این مابه التفاوت (بخوان پول غارت شده از مردم) به بخش تولید (بخوان بخش خصوصی سرمایه داری) اعطا شود ... و به جای ۱۵ درصد پیشنهادی دولت (بخوان تقسیم پولهای غارت شده) باید ۵۰ درصد به بخش تولید داده شود «آقای اردکانی به فاشیستهای نظامی حاکم می گوید بیایید نصف به نصف تقسیم کنیم. یعنی تمام جناحهای حکومتی هم در غارت و چپاول مردم مثلا" " هدفمند کردن یارانه ها" و هم در جوسازی تبلیغاتی مثل مسئله غزه برای لاپوشانی این دزدی علنی و بیشرمانه هیچ اختلافی با هم نداشته اند، بلکه اگر به هم می پزند، در تقسیم عنائم اختلاف دارند که هر کدام می خواهد سهم بیشتری ببرد. اما دور نیست آن روز که کارگران و زحمتکشان با انقلاب خود حکومت فاشیستی - اسلامی سرمایه داری را به زباله دان تاریخ انداخته و با تشکیل حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان بر سرنوشت خود حاکم گردد.

به امید آرزو

**بحران جهانی نظام سرمایه داری
ناقوس مرگ آن است !**

مبارزه طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار از بدو پیدایش این نظام تا کنون فراز و فرودهای گوناگونی طی کرده است که در این مبارزه طبقه کارگر بعنوان یک طبقه تاریخ ساز با جمعیت ۲/۵ میلیارد نفری در مقابل اقلیت انگشت شمار شرکتهای سرمایه داری فرا میلیتی(۴۱۴ عدد) تجاری گرانها و تلخ و شیرین اندوخته است. تاریخ نظام سرمایه داری تاریخ بحرانهای گوناگون بزرگ و کوچک و از لحاظ معنوی خود سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی بوده است چرا که این نظام طبقاتی عین تمامی نظامهای طبقاتی بر مدار و محور مالکیت خصوصی وسایل تولید و از این طریق بهره کشی و

چپاول گرسنگی ، بیکاری میلیاردي کارگران قرار گرفته است هر باز تولید و انباشت سرمایه مساوی بوده است با مرگ و فلاکت ، خانه خرابی میلیونی توده های ستمکش، بنابراین بحران اقتصادی و سیاسی از ذات نظام سرمایه داری میباشد این سیستم بدون ایجاد بحران نمی تواند به هستی خود ادامه دهد چرا که هستی آن عین نابودی اکثریت جامعه ستمکش است با توجه به پیش بینی رهبران بزرگ کارگران مثل مارکس ، رزا لوکزامبورگ ، لنین و اثبات علمی بحران و نابودی نظام سرمایه داری بر نیروهای آگاه و پیشرو کارگر و کمونیستها بحران موجود از یک دهه قبل قابل پیش بینی و اثبات بود اما به لحاظ تبلیغات مسموم سرمایه داران مخصوصاً "حکومت اسلامی در لاپوشانی و کم اهمیت نشان دادن این بحران و ترس و وحشت آنان از معلوم شدن و مرگ تاریخی نظام سرمایه داری حاکمیت اسلامی از یک طرف سعی می کند خود را عین جد بزرگش مرحوم هیتلر جدا از نظام سرمایه نشان دهد چرا که هیتلر عین خمینی می گفت «ما نه طرفدار سرمایه داری هستیم و نه طرفدار کمونیسم» و از طرفی این بحران را نه در ذات نظام سرمایه داری بعنوان یک سیستم فلاکت و نا برابری بلکه در بی لیاقتی افراد حکومت کننده در عدم برنامه ریزی درست و ... نشان دهد تا با خیال خام خود علاوه بر عوام فریبی در میان مردم خود را ناجی نشان دهد اما دم خروس جمهوری اسلامی علی رغم قسم حضرت عباس آن، از لای عباي آخوندها پیداست. حکومت اسلامی بعنوان مدافع نظام سرمایه داری وابسته ایران و جزئی تفکیک ناپذیر از نظام جهانی سرمایه داری در تامین انرژی ارزان (نفت و گاز) و نیروی کار ارزان و صنایع مونتاژ خودرو سازیها ، بعنوان سگ پاسبان سرمایه قرار دارد، بنابراین همانطوریکه نظام سرمایه داری جهان در بحران بزرگ اول (۱۹۴۰ - ۱۹۲۹) از فاشیسم بعنوان سپر بلا استفاده کرد علی رغم عدم توان و لیاقت حکومت اسلامی تا حد هیتلر برای سرمایه جهانی، سرمایه جهانی تا آنجا که می تواند از موج اسلام گرایی در لاپوشانی و انحراف افکار عمومی از بحران جهانی که تمامی کارگران جهان را به حرکت در آورده حمایت کرده و خواهد کرد. مثل تحت الشعاع قرار دادن اعتصابات قهرمانانه کارگران جهان با قضیه غزه با کمک حکومت اسلامی است.

ابعاد بحران کنونی نسبت به دو بحران بزرگ جهانی (۱۹۲۹ - ۱۳۴۰) (۱۹۶۸ - ۱۲۷۶) به قسمی است که در آن دوران تنفس گاهی برای سرمایه های انباشته در کشورهای پیرامونی وجود داشت و آنان با زیر خط ننگ داشتن و گرسنگی دو سوم بشریت کشورهای خودشان را با دولت های رفاه کینزی سرپا نگه می داشتند، اما در دوره جدید با اشباع جهان و تحت سیطره قرار گرفتن تمامی آن و انباشت فوق نجومی سرمایه دیگر گریزگاهی برای آن وجود ندارد و بقول رزا لوکزامبورگ شاهین انقلاب کارگری جهان سرمایه داری به مرز بربریت و وحشی گری و یا سوسیالیسم رسیده است. اکنون این بحران از کشوری شروع شده که یک پنجم کل اقتصاد جهانی را در دست دارد (آمریکا) و با شرایط خود ویژه تمامی دنیا را در مرز نابود یا آزادی ، برابری یا مرگ قرار داده است. با شروع بحران و مرگ نظام جهانی سرمایه داری در تمامی کشورهای سرمایه داری که با نابودی تولید و کارخانجات و بیکاری میلیاردي کارگران روبرو شده و هر روز بر متلاشی شدن این نظام افزوده میشود . کشور سرمایه داری آمریکا با یک پنجم اقتصاد کل جهان که بحران از آنجا سر برآورده است در بدترین وضعیت به سر برده روز به روز به بیکاری و فلاکت عمومی کارگران و مردم افزوده میشود در بهمن ماه با بیکاری ۶۰۰/۱۰۰ هزار نفر آغاز بیکاری در ۳ ماه به یک میلیون و هشت هزار نفر رسید آمار بیکاری در چندین ماه از ۷ درصد به بالاتر از ۱۵ درصد رسیده و با احتساب خانواده های کارگری به حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر رسیده است) تا چهار ماه پیش طبق آمارهای رسمی جهانی ۳۷ میلیون نفر بی خانمان (کارتن خواب) در آمریکا زندگی می کردند که پس از شدت یابی اخیر بحران باعث اخراجهای گسترده گردید و اول خود را در بخش مسکن نشان داد و طی آن بسیاری از مردم که نتوانسته بودند اقساط خانه های خود را بپردازند و خانه هایشان توسط بانکها تصرف شد و آنها نیز به بی خانمانها اضافه شدند و حالاً آمار بی خانمانها به ۴۸ میلیون نفر رسیده است که هنوز در حال افزایش می باشد. در آمریکا ۷۲ میلیون نفر از پوشش بیمه اجتماعی خارج شدند، ۳۴ ایالت امریکافاقد بودجه از طرف دولت مرکزی هستند. در همین حال دولت آمریکا از محل مالیات های گرفته شده از مردم (گرفته شده

از همان بی خانمانها) به بانکها (همانهای که خانه های مردم را تصرف کرده و باعث بی خانمانی آنها شده اند) کمک های بلاعوض می کند تا این نهاد های دزدی و چپاول را برای دزدی و چپاول های بعدی همچنان پابرجا نگهدارد. برمینا این گونه دلایل است که می گوئیم هرگز دولت بی طرف وجود نداشته و هرگز وجود نخواهد داشت (دولت یا ابزار طبقه سرمایه داری است یا ابزار طبقه کارگر، شق ثالثی وجود ندارد) کسری بودجه امریکا به ۳/۸ تریلیون دلار رسید. در انگلیس ۷ میلیون بیکار اعلام شده است در چین طی ۴ ماه اخیر ۲۰ میلیون نفر بیکار شده اند و در تمامی کشور ها همچنان بیکاری و بی خانمانی در حال افزایش است . دیگر نمی توان حتی با التماس و کنار زدن دیگر کارگران در رقابت کارایی شغلی پیدا کرد تنها یک راه مانده است متحدانه اقدام به نابودی سرمایه داری کرد. در مبارزه جهانی علیه نظام سرمایه داری دانش آموزان و دانشجویان فرانسوی به کارگران پیوستند در ۱۹ بهمن بنا به فراخوان اتحادیه های دانش آموزی در مقابله با سیاستهای سرمایه داری دولت سارکوزی کلیه دانش آموزان ، معلمان ، و کارکنان آموزشی در تظاهرات عظیمی در تمامی شهرهای فرانسه به نمایش قدرت پرداختند. در حمایت از این حرکات مبارزاتی با فراخوان اتحادیه های دانشجویی ۸۰ درصد دانشگاهها تعطیل و دانشجویان، استادان ، کارکنان دانشگاهها به آنان پیوستند . دانش آموزان و دانشجویان فرانسوی در همسویی با جنبش جهانی کارگری قدم در راه مبارزه علیه نظام سرمایه داری گذاشته است. روز ۲۶ بهمن بدعوت حزب کمونیست جدید و اتحادیه های کارگری صدها هزار نفر در رم دست به تظاهرات زدند. از این دست اعتراضات صدها مورد می توان مثال آورد که زمینه ساز اتحاد های داخلی و جهانی کارگران خواهند بود.

طبقه کارگر جهانی بطوریکه از دوره رهبران بزرگ آن مارکس ، انگلس و لنین با تشکیل سه بین الملل جهانی اول ، دوم و سوم به مقابله با نظام جهانی سرمایه داری پرداخته و تجارب گرانقدری اندوخته است، و اکنون در یک رو در روی قهرمانانه و جهانی دوباره دوشادوش یکدیگر علیه نابودی نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم مبارزات خود را تشدید خواهند کرد .

بقول مانیفست کمونیست طبقه کارگر جهان در این مبارزه چیزی جزء زنجیرهایش را از دست نخواهند داد و در عوض دنیای فارغ از بهره کشی و استبداد بدست خواهند آورد.

زنده باد وحدت جهانی طبقه کارگر برقرار باد حکومت جهانی سوسیالیسم.

آیا رژیم اسلامی ولایت فقیه ضد امپریالیسم امریکا می باشد؟!

از اول تشکیل حکومت اسلامی تا حالا بوق و کرنای ضد امریکای آخوندها گوش فلک را کر کرده است. ولی آیا واقعیت دارد؟ که حکومت الهی ۱۰۰۰ میلیارد اسلامی واقعا" ضد امپریالیست - ضد امریکا هستند؟

برای درک روشن مسئله کمی عقب تر می رویم: استفاده حکومتیهای طبقاتی عموماً و نظام سرمایه داری خصوصاً از مذهب به عنوان اهرم اساسی فریب و تخریب افکار توده ها و ادامه بهره کشی آنان در جای جای تاریخ حک شده است قبل از فرو پاشی حکومت شوروی کمربندسبز اسلامی توسط سرمایه جهانی دور کشور شوروی و ساختن طالبان و مجاهدین توسط امریکا و استفاده از احساسات مذهبی در افغانستان دوستی نزدیک امریکا با حاکمان و شیوخ متعصب اسلامی کشورهای خلیج فارس و خاور میانه که بر خلاف اعتقاد ظاهری امپریالیسم امریکا تمامی این شیوخ اعتقادی به کوچکترین دموکراسی ندارند مثلاً هنوز در کشورهای عربی زنان حق رای حق رانندگی حق شناسنامه ندارند و همچنان دوست امریکا هستند و الان پیوند اساسی دولت امریکا با دولت های اسلامی عراق و افغانستان و... بطوریکه دیده می شود برای نظام سرمایه داری جهانی برهبری امریکا مهمترین مسئله حفظ منافع ۴۱۴ شرکت فرا ملیتی که بیش از ۶ میلیارد نفر را به بند کشیده اند، است، بدین منظور مخصوصاً در خاور میانه بهترین استفاده را از کشورهای اسلامی می کنند هدف حفظ منافع خود و نظام سرمایه داری میباشد حالا چه در شکل سلطنتی چه در شکل اسلامی چه در شکل جمهوری لائیک و

سکولار..... با این توضیح طبق اسناد وزارت امور خارجه امریکا این کشور توسط تحلیل دقیق کارشناسان خود در سال ۱۳۵۰ انقلاب ایران و سقوط شاه را پیش بینی می کرد در این اسناد می خوانیم (شاه خیلی احمق بود و عقب مانده تر از ان است که اوضاع موجود را حفظ کند اوبه وسیله تمامی کسانی که باعث روی کار آمدن او شده اند نزدیکترین افراد او بودند دور انداخته و اوضاع را به سمت اغتشاش سوق می دهد) با شروع انقلاب ۵۷ امریکا در مذاکره دوستانه با بهشتی و بازرگان توسط ژنرال هویزر امریکای در الجزایر (سال ۵۶ تا ۵۷) به چند مسئله تاکید اساسی کردند اول حفظ ارتش و سازمان امنیت (ساواک) که هر دوتای آنها یعنی هم ارتش از طریق تیمسار قره باغی غیر از افسران به پادگانها برگشتند و همانطوری ماند و در همان اوایل انقلاب با کمی تغییر به فرمان خمینی در سال ۵۸ تمامی ساواکیها شروع به کار کردند. دوم ادامه صدور نفت طبق اصول قبلی که تا حالا انجام شده است. سوم سرکوب ۱۶۰ شورا متشکل از کارگران و کمونیستها بعنوان نقطه حکومت کارگری که هردوی اینها نیز با سرکوب شوراها کنترل کارگری توسط شوراهای اسلامی و کشتار بیش از هزاران کمونیست انجام شد.

در ادامه پیدا کردن جای گزین به جای شاه چهار کشور بزرگ سرمایه داری یعنی المان، فرانسه، انگلیس، امریکا به رهبری ژسیکاردستین رئیس جمهوری وقت فرانسه در جزیره گوادالپ روی سه گزینه کمونیستها جبهه ملی و خمینی. خمینی را بهترین گزینه بجای شاه دانستند که می تواند به نام انقلاب، انقلاب و تمام دست وردهای ان را سرکوب کند. که همانطوری هم شد در عرض دو ماه خمینی را به کره ماه بردند و پس از روی کار آمدن، اولین کار رژیم خمینی خارج کردن اسلحه از دست مردم بود که بزرگترین وظیفه خمینی بود که از طرف سرمایه داران برایش تعیین شده بود (در طول تاریخ اثبات شده است پس از هر قیام پیروز مند تا زمانی که کارگران و مردم قیام کننده، خلع سلاح نشده اند انقلاب همچنان توفنده بوده پیش می رود، اما به محض اینکه اسلحه را از دست مردم می گیرند ضد انقلاب ضعیف شده دوبار جان گرفته شروع به شکست دادن انقلاب می کند در ایران نیز روز سوم پیروزی خمینی با فریب مردم درخواست تحویل سلاح ها را

کرد چون خمینی از نقشی که برایش تعیین شده بود اطلاع داشت و می دانست با وجود اسلحه در دست مردم نمی تواند انقلاب را شکست بدهد. این در تمامی انقلابات جهان تجربه شده بود که ماندن اسلحه در دست کارگران و مردم بزرگترین خطر برای سرمایه داری است.) و سپس به نام حاکمیت انقلاب و مبارزه ضد امریکای و ضد امپریالیستی (طبق نقشه خود امپریالیسم جهانی) حمله به انقلاب با نام انقلاب و نابودی تمامی دست وردهای آن بعد از خلع سلاح مردم شروع شد.

نابودی ۱۶۰ شورای کنترل کارگر شرکت نفت و کارخانجات دیگر، سرکوب استقلال خلق های کردو ترکمن، سرکوب وسیع آزادی های سیاسی در اجتماع، دانشگاهها، مطبوعات، اخراج کارگران و انحلال تشکلهای کارگری و توده ای و... علی رغم گستردگی سرکوب دستاوردهای انقلاب با توجه به روحیه انقلابی مردم هنوز جو انقلابی در جامعه تسلط داشت. که خمینی و دارو دسته اش به سه دست آویز مهم متوسل شدند، مهمترین و بزرگترین ضد حمله سرمایه داری اسلامی به تمام صف انقلاب که با هماهنگی سرمایه داری جهانی صورت می گرفت عبارت بودند: ۱- گروگانگیری افراد سفارت امریکا ۲- جنگ ایران و عراق ۳- انقلاب فرهنگی. که در سایه این سه مسئله علاوه بر عوام فریبی در بین مردم به نام مبارزه ضد امریکای بیش از ۱۰۰ هزار نفر از نیروهای انقلابی که بعنوان پایه های استواری انقلاب بودند اعدام کردند چرا که با وجود آنان نمی توانستند به عمر ننگین خود ادامه دهند و فقط در زیر این عوام فریبی ها بود که نظام سرمایه داری را از مرگ حتمی نجات دادند.

آیا با این اوصاف حکومت دیگری، مثل ولایت فقیه به نام اسلام و حکومت الله می توانست پایه اصلی امپریالیسم جهانی و امریکا یعنی نظام سرمایه داری را که در معرض نابودی قرار داشت نجات دهد؟! مسلمان خیر.

شاه به عنوان سگ زنجیری امریکا وقتی نتوانست نظام بهره کشی را حفظ کند و در مقابل امواج انقلاب مجبور به فرار شد اقامتش برای رفتن به امریکا از طرف این کشور رد شد و در مقابل این سوال که چرا امریکا از شما حمایت نکرد گفت: چون از من ضد کمونیست تر برای حفظ اوضاع پیدا

کرده بود. (شاه هم ماهیت واقعی و ضد انقلابی خمینی را درک کرده بود) بی خود و بی حکمت نیست که علیرغم اینکه ۹۰ درصد مردم دنیا و بیش از ۷۰ درصد مردم امریکا دولت سرمایه داری این کشور (امریکا) را بزرگترین خطر برای خود می دانند اما به برکت تنفر همگانی مردم ایران از حکومت اسلامی و با این دید که هر کس با این حکومت ضد باشد دوست آنان است (مردم) متأسفانه آمار بالا در مورد ایران صدق نمی کند چرا که مردم از ترس مرگ به تب راضی می شوند اما در واقعیت این حرکت آگاهانه رژیم است که تلاش می کند با برخورد بر عکس (سوء استفاده از برهان خلف) باعث تقویت اربابش (امریکا) شود تلاش رهبران و سرداران سپاه برای مذاکره با امریکا، دوره گردی مذاکره کنندگان بین تهران و واشنگتن و خلاصه رقابت جناحهای حکومتی جهت سبقت گرفتن برای مذاکره - مخصوصا پیامهای معنا دار متقابل پس از روی کار آمدن رئیس جمهوری جدید امریکا (اوباما) همه و همه نشانگر توهم حاکمان اسلامی است. اما امریکا و کلا " سرمایه جهانی بر خلاف آنها دقیقاً بر اساس تحلیل کارشناسی می دانند که با توجه به ابعاد سیاسی - اقتصادی دولت اسلامی و با توجه به تنفر همگانی، تاریخ مصرف رژیم اسلامی تمام شده است و نابودی آن عین دوره شاه قریب الوقوع است، بنا براین همانطور که به شاه سگ زنجیره ایش اجازه فرار به امریکارا نداد و در ضمن خمینی را به کره ماه برد. الان علی رغم پیغامهای سرداران سپاه و رهبر اسلامی (که ما خودمان آماده چاکری هستیم) اما امپریالیسم جهانی و در راس آن امریکا از یک طرف به استحالته درونی رژیم در طرح ابراهیم یزدی مزدور خود به نام حکومت اسلامی بدون ولایت فقیه چسبیده و در این میان تلاش دار ند بامانورهای، تا آنجا که بتوانند دوباره کارگر و کمونیست کشتی براه بیانند. و از طرفی دیگر به سوسیال دموکراتها دخیل بسته اند که در سال ۵۷ بنام حکومت اسلامی و مبارزه ضد امپریالیستی انقلاب و تمامی دست آورد های آن را سرکوب کرد، و این باری خواهند بنام آزادی، دموکراسی و جمهوری سکولار انقلاب را سرکوب کند.

بر کارگران و زحمتکشان است که نگذارند سرمایه داری جهانی و امریکا مانند دوره قبل از ترس تاج باعامه مردم را فریب دهند این

بار از ترس عمامه دیکتاتور دیگری درآوردند و بنام آزادی و برابری دوباره یک کله خر دیگری بجای حاکمیت مردم (حکومت شورای کارگران) جایگزین کنند. تا زمانیکه کارگران و ستم کشان سرنوشت خود را از طریق قیام مسلحانه و سرنوشتی انقلابی حاکمیت فقر و استبداد اسلامی و برقراری حکومت شورای خود بدست نیاورند خر همان، خر است، فقط پالانش عوض می شود. در نتیجه با تجمع در تشکلهای انقلابی خودمان و با آگاهی از منافع طبقاتی خود، نگذاریم انقلاب آینده به دور باطل بیافتد. برای این کار، کارگران با جمعیت ۴۰ میلیونی (اکثریت ملت) باید در راس و رهبری تمامی مردم باشند و با برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان و تسلیح عمومی طبقه هر گونه بازگشت به عقب را سد نمایند

تجربه را دوباره تجربه کردن خطا است.

اخبار خلی داخلی

نرده کشی خیابانها وحشت مرگ حکومت اسلامی از خیزش مردم

چند مدتی است در تهران و شهرهای بزرگ و عمدتاً مراکز استانها دولت نظامی سرمایه داری اسلامی میدان و خیابانهای مرکزی و بزرگ را با نرده کشی از وسط قطع کرده بطوریکه تردد به طرفین خیابانها خیلی سخت یا غیر ممکن می گردد. بنا به اطلاع واصله از خیابان نیروهای امنیتی رژیم در ترس و وحشت از آینده تیره و تار خود پایان تاریخ مصرف آن تلاشهای مزبوحانه ای می کند تا در صورت قیام و شورش و تظاهرات تودها سرعت و حرکت و به هم پیوستن مردم به پا خواسته را کند کرده تا سرکوب را راحت تر کند. اما زهی خیال باطل اراده پولادین زحمتکشان را نه تنها با نرده حتی با بمب اتم هم نمی توان شکست. چرا که نیروی میلیونی ستم کشان عین سیل بنیان کن به حکم تاریخ نرده سهل است که دروازه های پولادین استبداد و دیکتاتوری سرمایه داری را خواهد شکست. که البته حکومت فاشیستی- اسلامی هم از این حکم تاریخ بدور نیست.

آموزش و پرورش یا دکان تجارت طلا

وضعیت آموزش و پرورش و مدارس در کلیه سطوح آن بعلت پولی شدن در بدترین وضعیت قرار دارد بطوریکه بهترین معلمان به مدارس پولی کشیده شده اند حکومت اسلامی به عنوان سگ نظام سرمایه داری با پولی کردن نظام آموزش کشور باعث بیسوادی میلیونی بچه های مردم زحمتکشان شده است بطوریکه علی رغم درآمد بالای کشور بعنوان یکی از ثروتمندترین کشور جهان و آموزش به عنوان یکی از پایه های اساسی هر کشوری معلمان زحمتکش از کم درآمدترین اقشار جامعه هستند، عده بسیاری از آنها مخصوصاً حق التدریسی تا دو سال حقوق نگرفته اند و همچنین ادارات آموزش و پرورش در دولت مهر نواز و نظامی احمدی نژاد با بزرگترین کسری بوجه مواجه است. رئیس قبلی امور مالی منطقه ۱۸ تهران مجبور به اعتراف شد که مدرسه ای که ما دو سال قبل ۴۰ میلیون تومان اعتبار می دادیم الان ۳ میلیون تومان بودجه می دهند. جان سرمایه داران و سرداران میلیادر سپاه و اطلاعات و حسابهای بانکی خارجی احمدی نژاد به سلامت باد. در حکومت الله با حاکمت اقتصادی - سیاسی - نظامی ۱۰۰۰ خانوار میلیادر بقول مصباح یزدی (بقول تیریزی ها مستراخ یزدی) غیر از خود این میلیادرها بعنوان نمایندگان الله در روی زمین مردم کدام ... هستند؟! هرچه مردم بیسواد تریاشند، ادامه حکومت الله و ولایت فقیه طولانی تر خواهد بود. در حکومت امام زمان و نایب بر حقش خدا برکت بدهد به کراک، شیشه، هرونین و تریاک، سواد به چه دردی می خورد؟! ولی مستراخ یزدی زیادی به خود حکومت سرمایه داری ولایت فقیه غره نباشد. دور نیست آئروز که عمامه های آنها طناب دار شان خواهد شد. و کارگران و زحمتکشان با انقلاب خود طومار این مار هزار سر را خواهند پیچید. چرا که این حکم تاریخ است که با قدرت میلیونی توده ها ظلم و بهره کشی محکوم به زوال و نابودی است و حکومت

شورایی کارگران عالیترین درمان همه دردهاست. به یاد داشته باشیم که تاریخ را توده ها می سازند و کمونیست ها و کارگران انقلابی باید بدانند تازمانی که طبقه کارگر برای انقلاب مهیا و سازماندهی نشود به زائده سرمایه داری تبدیل شده و نمی تواند رسالت تاریخی خود

یعنی سرنگونی سرمایه داری و برقراری حکومت کارگری را به سرانجام برساند.

اندر فواید ماهواره امید؟!!

با توجه به غارت‌های عینی اموال عمومی توسط باندهای قدرت اسلامی و دوختن کیسه پول توسط نظام اسلامی برای همه چیز آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، حمل و نقل و مالیات‌های سنگین حتی برای راه رفتن در کشوری که چهارمین صادر کننده نفت و بزرگترین میدان گازی جهان و دومین ذخیره مس دنیا و خلاصه دهمین کشور دارای معدن در بین بیش از ۲۰۲ کشوریکی از ثروتمند ترین کشور جهان است نسبت به جمعیت خود که مثلاً فقط از بابت این درآمدها غیر از کارکردن مردم سالانه به هر خانواده ۸۰ میلیون تومان پول می رسد ولی رژیم ۱۰۰۰ میلیارد اسلامی برای لاپوشانی اینکه هر بچه آخوند با این پول‌های غارت شده در وسط لندن که وطن اصلی آخوندها ست خانه های ۲۰۰۰ متری دارند (نمونه پسر ۱۹ ساله حسن روحانی دبیر شورای امنیت ملی سابق) و با حساب‌های بانکی رفسنجانی در سویس (جنرال سرویس بانک) پر است و در طرف مقابل ۲۰ میلیون از خانواده های زحمت کشان در فقر مطلق و ۷۵ درصد زیر خط فقر قرار دارند.... و حکومت سرمایه داری اسلامی به نیابت از بزرگ معلم خود حزب فاشیست آلمان و احمدی نژاد به نیابت از پدر بزرگ خود گوبلز مسئول تبلیغات حزب فاشیست آلمان از کاه کوه می سازد و از هر فرصت و مسئله ای از غزه تا کوچکترین خبر علمی فرهنگی در جهت این لا پوشانی اوضاع به بن بست رسیده استفاده می کند گفتنی است در کشوری که ۱۰۰۰ میلیارد اسلامی کل جان و مال ۷۰ میلیون مردم رابه غارت می برند ماهواره به چه درد مردم می خورد؟!!

در چنین اوضاع ماهواره با کمک اربابان رژیم فقط به درد کنترل و جاسوسی نیروهای انقلابی - مردمی توسط رژیم می خورد تا عمر ننگین خود را چند صباحی طولانی تر کنند) اما شتر در خواب بیند پنبه دانه، گهی لپ، لپ خورد گهی دانه، دانه) این رژیم پوسیده را ماهواره سهل است عیسی که "مردم ها" را زنده می کرد نمی تواند نجات دهد چرا که صدای پای انقلاب از همین نزدیکی ها به گوش میرسد.

نگاهی تجربی انتقادی به تشکل های موجود کارگری قسمت سوم (تشکلهای توده ای- اتحادیه ای

ما در قسمتهای پیشین گفتیم مبارزه تشکل های سیاسی و صنفی طبقه کارگر دو روی یک سکه هستند و هر گونه جدائی بین دو وجه یک مبارزه باعث تفرقه و دنباله روی جنبش کارگری میباشد و یاد آور شدیم تشکل های موجود بر بستر چند عامل مهم بوجود آمده است که عبارتند از :

۱) شرایط سرکوب و استبداد
۲) وضع خراب طبقه کارگر از لحاظ بیکاری ، عدم امنیت شغلی در سایه قراردادهای موقت و فلاکت عمومی
۳) نبود حزب سیاسی طبقه کارگر
۴) تسلط گروهها و جریانات غیر کارگری از لحاظ فکری بر تشکلهای کارگری بر اساس سیاستهای سه جانبه گرایی ، علنیت و قانونیت سرمایه داری و تحت عوامل بالا با شعار از «خرس مونی هم کنند غنیمت است » و تحت سیاستهای و قواعد بازرسی حکومت ضد کارگری اسلامی تشکل های موجود را از رادیکالیسم، پیوند عمیق با بدنه خود و همچنین سراسری شدن دور می کنند. و ناگاهانه باعث تقویت جبهه سرمایه داری ، رو شدن عناصر مبارز کارگری ، دنباله روی جنبش کارگری و نهایتاً در جا زدن آن می شوند ما توضیح دادیم بر خلاف نمایندگان سرمایه داری سازش طبقاتی و نفی کنندگان جمع و تشکل سیاسی کارگران با نام تشکل های صنفی مستقل از احزاب (که اگر سر نخ آنان را بگیریم به آخر یکی از جناحهای داخلی و یا خارجی سرمایه داران می رسند) فقط تحت رهبری و هدایت حزب سیاسی بعنوان محل تجمع آگاه ترین ، پیشروترین و متشکل ترین و جسور ترین عناصر انقلابی جهت پیروزی طبقه کارگر از تمامی بخش های کارگری است که می توان اهداف اقتصادی و سیاسی را در یک مسیر هدفتند و با برنامه به هم پیوند داده و کل طبقه کارگر را در مقابل تمامی بخش های سرمایه داری سازمان داده و بر پراکندگی و رقابت درونی کارگران غلبه نمود و به مبارزه ابعاد سراسری داد. ما همچنین یاد آور شدیم ، اگر شعار جدائی تشکل های صنفی و سیاسی نمایندگان فکری سرمایه داری را هم قبول کنیم با توجه به این که حکومت اسلامی حافظ نظام

سرمایه داری ایران چه حالا و چه در دوره ستم شاهی با توجه به اهرم اقتصادی نفت تقریباً تمام قدرت اقتصادی را در دست دارد (بدین لحاظ شاه خود را سایه خدا و حکومت اسلامی نماینده مستقیم خدا می داند) هر گونه خواسته های هر چند جزئی رفاهی و یا ایجاد تشکل با خود دولت روبرو شده و گلاویز میشود، بدین لحاظ هم بین مبارزه اقتصادی سیاسی تقریباً هیچ فاصله ای وجود ندارد و چون با هر گونه خواست اعتراضی با خود دولت سرمایه داری برخورد می کند (نمونه برخورد حکومت اسلامی با سندیکای شرکت واحد ، هفت تپه و در موارد شدید کشتار کارگران خاتون آباد) بنا بر این دو سطح شکل و مبارزه به هم تنیده شده و جدائی ناپذیرند هر گونه مبارزه هر چند کوچک صنفی بلافاصله رنگ سیاسی به خود می گیرد و برای مبارزین تاوان و هزینه سنگین طلب می کند و ما چه بخواهیم یا نه، تشکل های صنفی با توجه به واقعیت موجود بدون ساختار مخفی و نیمه علنی و همچنین ارتباط تنگاتنگ با تشکل سیاسی (حزب) بعنوان پیوند دهنده و ارتقاع دهنده مبارزه سراسری طبقه کارگر در مقابل دولت یکدست طبقه سرمایه دار با سیاست هماهنگ سرکوبش نه می تواند دوام داشته باشد و نه سراسری و یکپارچه و متحد عمل کند. در نتیجه مجبور به عقب نشینی و شکست خواهد بود. ما در این رابطه به تجربه نسبتاً موفق شورای متحده کارگری در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ اشاره نمودیم که در شرایطی که هنوز نظام سرمایه داری کامل شکل نگرفته بود از طریق تجمع صدها اتحادیه و سندیکا با مرکزیت شورای متحد ۳۵۰۰۰۰ هزار کارگر را متحد و یکپارچه کرده بود و نقش مهمی در تاریخ سیاسی - انقلابی کشورمان بازی کردمانند ملی شدن صنعت نفت. با این توضیحات از شماره های قبلی بر گردیم به موضوع اصلی :

حکومت دیکتاتوری - اسلامی سرمایه در وحشت از آینده تیره و تار خود و ترس از دست دادن قدرت اقتصادی - سیاسی از کوچکترین جرعه حرکت برای ایجاد تشکل و خواست های مطالباتی کارگران و مردم زحمتکش بر خود می لرزد و تلاش می کند هر اقدامی در این جهت را در نطفه خفه سازد چرا که بر خلاف سالهای اولیه اکثریت ۹۰ درصدی توده های کارگر و ستمکش شدیداً ناراضی بوده و با توجه به تجارب ۳۰ ساله خود اعتقادی به حل مشکلات و مسائل

خود از طرف حاکمیت اسلامی ندارند و از طرفی نبود یک حزب سیاسی سراسری قدرتمند و پایدار که بتواند این انرژی و نا رضایتی عمومی را در تشکل های توده ای (سندیکا - اتحادیه) و سیاسی (حزب) متشکل و متحد و یکپارچه ساخته و در مقابل طبقه و دولت سرمایه داری و سیاستهای آن مقاومت کرده و در جهت اهداف انقلابی خود پیشروی کند اوضاع و موقعیت پیچیده و دو گانه ای بر کشور حاکم ساخته است. از یک سو بعلت بحران اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی با تشدید و ارتفاع مبارزه طبقاتی (مخصوصاً کارگری) هر چند خودجوش و پراکنده روبرو هستیم و از طرف دیگر با توجه به این پتانسیل و حرکات کمبود تشکل های سیاسی و مبارزاتی که بعنوان تجسم و هدایت این مبارزات باشد روبرویم. به عبارت دیگر نیروهای پیشرو و فعال کارگری از قافله بسیار دور هستند. و همچنین هر حرکت مبارزاتی و تشکل مبارزاتی بعلت سیاستهای مستقیم سرکوب رژیم بلافاصله رنگ سیاسی به خود گرفته و بعلت خلاء تشکل های قدرتمند اقتصادی - سیاسی و سراسری برای پر کردن این کمبود سیاسی (نبود قدرت سراسری) بدون آنکه خود بخواد نوعی محوریت و پایه اساسی پیدا می کند. و سعی می کند در جواب به اوضاع یاد شده این جای خالی و کمبود اساسی را پر کند و بدیل یا جایگزین آن گردد و یا به عبارتی خط مقدم حمله مبارزه عمومی می گردد (نمونه شرکت واحد ۸۴-۸۵ و هفت تپه و..). توضیح این مسئله و علت وحشت رژیم سرمایه داری از یک حرکت هر چند کوچک بدان لحاظ است که بدانیم:

اولاً برای پر کردن این شکاف عظیم بین مبارزات روبه گسترش کارگری - توده ای و بعد شکل های متناسب با این گسترش چه ابعادی از فعالیت سیاسی - اقتصادی لازم است

ثانیاً از نیروهای کارگر نسبت به اوضاع موجود در جهت ایجاد و تشکل های سیاسی - اقتصادی بطور اصولی و با برنامه و هماهنگ و نسبت به ملزومات مبارزه در شرایط کنونی در ساختارهای مخفی و نیمه علنی اقدام کنند (در این رابطه مراجعه کنید به نشریه شماره ۱ همبستگی کارگری) می توانند طلسم موجود را شکسته و با غلبه بر شرایط سرکوب جوابگوی مسایل موجود جنبش کارگر - مردمی باشند. اما آیا تشکل های

موجود می توانند جوابگوی نیازهای مبارزاتی کنونی باشند؟ بطوریکه در اول نوشته اشاره شد تشکل های موجود در شرایط سرکوب و نبود حزب سیاسی طبقه کارگر بوجود آمدند (برخلاف تشکل های قوی سالهای ۱۲۸۵ - ۱۳۳۲) و با هدایت جریانات غیر کارگری و اصول رایج سرمایه داری در تشکل های زردکارگری یعنی قبول قوانین دیکته شده نظام سرمایه داری (قانونیت) قبول رو باز بازی کردن (علنیت) و قبول حاکمیت سرمایه داری در شکل ها و مسائل مورد مبارزه (سه جانبه گرایی) و همه اینها بر اساس اصل پایه ای و اساسی نفی تشکل سیاسی طبقه کارگر یعنی تشکل مستقل از احزاب بوجود آمده و شکل گرفته اند. شکل گیری این تشکل ها و مبارزات در عین تکیه بر مبارزات کارگران ورهبری خودجوش و نوعی دنباله روانه اما توده ای کارگری (شرکت واحد و هفت تپه و..). در مراحل اولیه آن بودند. اما چون از یک طرف همسو و متصل با جریان عمومی حرکات و مبارزات کارگری نبوده (که فقط در صورت وجود شکل های سراسری سیاسی و اقتصادی کارگران میسر بود) و بنابراین در حد زوم کردن بروی خود بدون از تکیه بر کل طبقه کارگر بعنوان نیروی سراسری، تک افتاده و حالت گوشه گیری و عزلت پیدا کرده و به جای پیش روی در موارد زیاد به عقب نشینی های مهمی تن داده است.

از سوی دیگر تکیه یک جانبه عمده رهبریت این تشکل ها بعلت عدم تجربه مبارزاتی بر فعالیت تبلیغی در سطح اینترنتی و رسانه ای و مانور آنها بین جناح مختلف سرمایه داری باعث دوری آنان از بدنه کارگری و دل خوش کردن به بوق و کرناهی رسانه ای شده است. در حالیکه با توجه به ۲۰۰ سال تجربه مبارزات مخفی کارگری و اصول سازماندهی مخفی مخصوصاً در کشور خودمان (اتحادیه کارگران راه آهن، شورای متحده و...) و دوری از تبلیغات، جریانات غیر کارگر (علنیت، قانونیت، سه جانبه گرایی) این تشکل ها عین نمونه های موجود سندیکا و اتحادیه ها مخفی (فرانسه، آمریکای مرکزی و جنوبی و..) می توانست با سازماندهی اعضای متعهد و نترس در هسته های مخفی در بین قسمت های مختلف حوزه مسئولیت و همچنین استتار قسمت عمده رهبری و با در اختیار گرفتن و ایجاد شکل های علنی که گردانندگان آنان از اعضای

تشکل مخفی (اتحادیه - سندیکا) میباشند مثل تعاونی ها، صندوقهای همیاری (رهبری مخفی) ارتباط خود را با بدنه همیشه تروتازه نگه داشته و جذب نیرو کرده و سیاستهای عمومی سندیکا و اتحادیه را به پیش ببرد و با رعایت فعالیت در سه سطح علنی، نیمه علنی، مخفی از یک طرف سیاست های سرکوب دشمن را خنثی کرده و از طرف دیگر بعنوان سمبل پایداری و مبارزه در دل کارگران جای بگیرد و رهبری از بدنه جدا نشود در مثال اتحادیه کارگران راه آهن که از طریق هسته ها و نشریه مخفی با بدنه خود (کارگران راه آهن) متصل بود با یک فراخوان برای اعتصاب و تظاهرات تا ۲۰ هزار کارگر را به حرکت در می آورد. بزرگترین ضرر علنیت و قانونیت سرمایه داری در تشکل های مبارز از یک سو رو کردن تمامی بدنه و رهبری حرکت برای دشمن و از طرف دیگر تنزل خواست ها و اهداف تشکل تا حد جدائی تا مورد قبول ارباب بوده تا از زیر تیغ آن رد شود برای مثال سطح نشریه باید از حد انتقاد روزنامه های رژیم پایین باشد تا مورد لطف قرار گیرد در حالیکه در یک تشکل مخفی می توان از طریق نشریه نیمه علنی و پخش در بین بدنه از طریق هسته های مخفی اعضا نفوذ قدرت مادی و معنوی سندیکا را ارتفاع داده و از طریق اتصالات علنی که بتوسط تعاونیها، صندوقهای همیاری و... با بدنه داریم. دو سطح فعالیت علنی - مخفی را بکار برده و درستی سیاستهای اتحادیه و صداقت اعضای آنرا به اثبات برسانیم و در شرایط مناسب که تشخیص آن بعلت ارتباط زنده با بدنه مهیا است زمینه ساز حرکت و حمله به دشمن (اعتصاب، تظاهرات و...) باشیم. اما معضل اساسی شکل های کنونی تسلط سیاستهای غیر کارگری بر پایه علنیت و قانونیت و سه جانبه گرایی است که رهبری (هر چند کارگری را) مجبور می کند با به نمایش گذاشتن تمام وجود خود برای دشمن و محدود کردن سطح خواستهای کارگری برای اینکه قانونیت را زیر سوال نبرد خود را در یک چهار دیواری تنگ که با قواعد بازی رژیم تنظیم میشود محسور کند و هر چه بیشتر از بدنه خود جدا شود. در حالیکه رژیم ضد کارگری کنونی به طرز لباس و خوردن و راه رفتن انسانها گیر می دهد چه رسد به فعالیت سازمانیافته کارگری علیه بهره کشی استبداد! در نتیجه علنی گرایان، قانون گرایان و طرفداران سه

جانبه گرایی برای اینکه خود را با پرنسپ، با وجاهت و انقلابی نشان بدهند مجبور هستند سازشکاری، رفرم پذیری، تعدیل مطالبات و توجیه جنايات سرمایه داری رابه عنوان حرکات انقلابی تئوریزه کنندو حتی در این مسیر جمهوری فاشیستی - اسلامی را تا آن حدی که می توان در آن فعالیت علنی و قانونی انجام داد تبلیغ می کنند. بنابراین به صورت غیر مستقیم جزء خدم و حشم سرمایه داری قرار می گیرند هر چند که فعالیت خود را "مستقل" یا "آزاد" کارگری می نامند.

در نتیجه تشکل های موجود بدون سطحی از مخفی کاری در اشکال رهبری و سازماندهی (نشریه، هسته های مستقر در میان کارگران، نحوه ارتباطات، چگونگی سازماندهی غیر مستقیم و در اختیار گرفتن شکل های علنی در محیط فعالیت مثل تعاونیها، صندوقها، تیم های ورزشی و...) نمی توانند پایه های خود را در میان کارگران حفظ کرده و اعتماد آنان را بدست آورند. هر گونه ارتباط غیر منظم و ولنگ و باز با بدنه کارگری باعث به خطر افتادن موقعیت کاری آنان و ترس و گریز از تشکل می شود. رژیم ضد کارگری با قبول ظاهری رهبری و با فشارهای دائمی روی آن (زندان و اخراج) آنرا از بدنه جدا کرده و در یک دایره بسته نگه می دارد و این مسئله تاثیر سوئی روی بدنه به جای می گذارد در حالیکه تحت سازماندهی مخفی می توان نوع ارتباط رهبری با بدنه را پیچیده و دور از دید دشمن درست کرد. در این رابطه یک اصل مهم مبارزاتی میباشد که هر چه حمایت و اتصال بدنه با رهبری عمیق تر و گسترده بوده و مبارزات آنان یکدست و متحد باشد به همان درجه باعث عقب نشینی دشمن و سطح گسترده عمل علنی تشکل خواهد بود. نیروهای پیشرو، رهبری حرکت و تشکل های کارگری باید در حین حرکت مخصوصاً با شروع مبارزه (اعتصاب) و اوج آن دو سطح علنی و مخفی برای پوشاندن سطحی از رهبری و همچنین اشکال سازماندهی در نحوه ارتباط خود با بدنه کارگری را حفظ نمایند چرا که:

اولاً هر عمل مبارزاتی نقطه شروع و پایانی (چه موفقیت آمیز و چه شکست خورده) دارد بنابراین پس از پایان مثلاً "اعتصاب رژیم در صدد شکار عوامل ضد سرمایه داری بر خواهد آمد.

ثانیاً اینکه باید در حین حرکت و با استفاده روحیه بالای همبستگی در کارگران شروع به

ایجاد تشکل های پایدار در بین کارگران کرد که در همه حالات مهمترین ابزار مبارزه کارگران هستند (سندیکا - اتحادیه) و این مسئله در سطح مخفی می تواند پایدار و با دوام به بقای خود ادامه دهد. عبارتی با شروع هر حرکت اعتراضی که موازنه قدرت به نفع کارگران به هم می خورد بهترین زمینه ایجاد تشکل های پایدار (اتحادیه - سندیکا) بوجود می آید که نیروهای رهبری باید از اوضاع بوجود آمده بنحو احسن در جهت ساختن تشکل استفاده کنند (نمونه هفت تپه) اما بر عکس قضیه هم صادق است در اثر فعالیت سازمانیافته نیروهای پیشروی کارگری در محیط های کارگری، تشکل های سندیکائی و یا نطفه های آنان ساخته میشود (مخفی) که عموماً بلافاصله از طرف کارگران مورد استفاده قرار می گیرد (نمونه شرکت واحد) در هر دو صورت برای پر کردن خلاء قدرت کارگری باید با پیوند سراسری سندیکاها و اتحادیه ها در جهت فدراسیون کارگری حرکت نموده و به قدرت طبقاتی کارگران بعنوان یک طبقه انقلابی در مقابل رژیم سرمایه داری مادیت عینی و عملی داد. تا این مسئله زمینه ساز تشکل سیاسی نیز باشد بطور خلاصه باید برای خلاصی از بحران پراکندگی و هویت کارگری نیروهای پیشگام کارگری باید از یک طرف رهبری تشکل ها و نحوه ارتباطشان با بدنه را طوری سازمان دهند که در عین تکیه بر قدرت جمعی مبارزاتی کارگران که چشم اسفندیار رژیم ضد کارگری اسلامی بوده و مهم ترین عامل عقب نشینی آن (نمونه چاپلوسی خالی باف به سندیکای شرکت واحد در استادیوم آزادی) و از طرف دیگر باید قسمت عمده رهبری تشکل ها را از چشم دشمن مخفی کرده و نحوه ارتباط آن با بدنه اعضا و کارگران غیر عضو آن واحد را از طریق (نشریه مخفی، هسته های مخفی، و با سازماندهی و در اختیار گرفتن تشکل های علنی در آن محیط مثل صندوقها و تعاونی ها و... توسط هسته ها در آنجا) مخفی و نیمه علنی سازمان داد تا علاوه بر جلوگیری از شناسائی و سرکوب اقدام به ایجاد اعتقاد و اعتماد به راه و عمل تشکل و رهبری را در بدنه بوجود آورد. هرچه قدرت سازماندهی مخفی در این تشکل ها بیشتر باشد به همان اندازه قدرت دشمن زبون تر و اتورثیه مادی و معنوی (سندیکا - اتحادیه) در بین اعضا بالاتر خواهد رفت، چرا که از یک طرف

بهانه اخراج و دستگیری و بنابراین ترس در بین اعضا از بین رفته و از طرفی بعلت عدم توانائی دشمن در سرکوب بخاطر رعایت اصول مخفی سازماندهی از طرف تشکل یاد شده بعنوان سبب کل کارگران در آن محیط و بعنوان ستاد رهبری مبارزه آنان باعث تقویت مبارزه و حس همبستگی کارگران خواهد شد اما از طرفی تشکل و مبارزات تک افتاده نمی تواند بدون پیوند با بخش های دیگر کارگران بعنوان یک طبقه کل و سراسری در مقابل حکومت و طبقه سرمایه دار دوام آورد بنابراین حرکت در جهت ایجاد تشکل پایدار کارگری (سندیکا - اتحادیه) مخصوصاً در جاهای مهم اقتصادی (شرکت نفت، پتروشیمی، خودرو سازیها و صنایع بزرگ و...) و پیوند آنها در فدراسیون سراسری برای یکپارچه و همسو کردن کل طبقه کارگر از اهمیت استراتژیک و اساسی برخوردار است. برای ایجاد هسته های مخفی در صنایع فوق و محل کار و زیست کارگران و ارتباط و اتصال آگاهانه و بیرونی، این هسته ها می توانند پایه سازمان کارگری - توده ای و سراسری قرار گیرند. در این راستا نیروهای پیشتاز کارگری در محیط های بزرگ کارگری باید برنامه و هدف سازمانیافته ای را برای رسیدن به تشکیلاتهای سراسری کارگری در پیش بگیرد.

در نهایت تذکر مجدد مضمون کلی به صورت چکیده لازم است:

سه محور رفر میستی که باعث اضمحلال تشکلهای کارگری در جوامع سرمایه داری می شوند عبارتند از:

۱- علنی گرایی

۲- قانون گرایی

۳- سه جانبه گرایی

که هر سه با اصول مبارزات کمونیستی - کارگری و حزب طبقه کارگر در ضدیت کامل قرار دارند و باعث می شوند ایجاد حزب طبقه کارگر یعنی تنها ابزار پیروزی کارگران برای بدست آوردن مطالبات و تسخیر قدرت به آینده نا معلوم موکول شود. ما در قسمت بعدی به تشکل فعالین خواهیم پرداخت.

در مقابل عمل سازمانیافته و جهانی سرمایه پیش به سوی اتحاد کارگری پیش به سوی تشکیل فدراسیون سراسری کارگری در ایران.

کارگران راه آهن تبریز و ایرانخودرو

اعتراض کارگران شرکت تامین ترابری سبز صبا

پس لرزه های تهدید و ارباب به شرکت خصوصی صبا (بیمانکارمسافر بری و خدماتی راه آهن تبریز- تهران - مشهد) هم رسید. در پی اخراجهای دسته جمعی، عدم پرداخت ب موقع حقوق و دستمزد، تحمیل قراردادهای سفید امضاء، برخورد های غیر انسانی و ضد کارگری مدیران و کارفرمایان شرکتهای دولتی و خصوصی که سالهاست گریبانگیر طبقه کارگر و تمامی اقشار زحمتکش ایران گردیده و روزیروز بر شدت و حدت آن افزوده می شود.

مدیران شرکت تامین ترابری سبز صبا نیز برای کسب سود هرچه بیشتر به هر قیمتی و افزایش شدت استثمار کارگران و برای عقب نماندن از اهداف سرمایه دارانه خویش با استخدام چماق بدستی بنام فرهاد شفقت که سالها در امریکا و کانادا ساکن بوده و تمامی راه و روش ضد کارگری و استثمار و زجر کش کردن انسانها را به خوبی فرا گرفته است، می خواهند قراردادهای یک ماهه و سه ماهه را برای کارگران این شرکت به ارمغان بیاورند، شخص مذکور در اولین صحبت های خود خبر از اخراج عده ای و تاخیر چندماهه در پرداخت حقوق کارگران و قراردادهای یک ماهه، همچنین با جار و جنجال، رعب و وحشت اقدام به نشان دادن اصول مدیریتی خود کرده است، با تشدید جو جاسوسی و پلیسی محیط کار چنان از بی تشکیلی کارگران سوء استفاده می نماید که طی دو ماه اخیر توانسته است بیش از سه نفر از کارگران خدمات رسان داخل قطارها را به بهانه های واهی بدون پرداخت حق و حقوق و ترساندن آنها از پلیس و دادگاه اخراج کند، و برخی را نیز با حساب سازی ها و پرونده سازی و بهانه قراردادن یک فراموشی اقدام به اخراج نموده است.

مدیران شرکت صبا با سرپوش گذاشتن به رفتارهای ضد کارگری فرهاد شفقت و ابراز نارضایتی دروغین پنهانی از رفتارهای وی چنان وانمود می کنند که گویی از هیچ چیز خبر ندارند و جناب شفقت را آنها برای مدیریت انتخاب نکرده اند یعنی جناب شفقت ناگهان و بدون اطلاع این مدیران کلاش از

آسمان برای مدیریت صبا افتاده است. آنان با رفتار ساختگی خود شعور و درک طبقاتی کارگران را به مسخره می گیرند و خیال می کنند کارگران گفته های آنها را باور می کنند، مدیران فریب کار، که سرمایه داری همیشه بخش عمده مبارزه بر علیه طبقه کارگر را با فریب کارگران و خود را دوست و خیر خواه کارگران نشان دادن اقدام به کسب سود و افزایش آن می کنند. یعنی در حقیقت با پنبه سر می برند یا بقول حافظ:

خود می کشند و خود تعزیه می دارند
ما کارگران شرکت صبا با آگاهی از ترفند های کارفرمایان و مدیران فریب کار آنها، ضمن حمایت از حرکتها و اعتراضات گسترده کارگری که نماد طبقه ای متشکل و ضد سرمایه داری است، نفرت و انزجار خود را از روش مدیران شرکت صبا ابراز نموده و امیدوار به حمایت دوستان کارگر خویش هستیم.

کارگران شرکت تامین ترابری سبز صبا

ما جمعی از کارگران ایرانخودرو ضمن حمایت از خواست بر حق کارگران تامین ترابری سبز صبا از همه فعالین کارگری می خواهیم که از مبارزات حق طالبان این کارگران حمایت کنند.

(به نقل از وبلاگ کارگران ایرانخودرو)

اخبار مبارزات کارگران ایران خودرو

ایران خودرو، ایتکو پرس

اخراجهای پایان سال مشکل همه ساله
بنا به خبر دریافتی، در ایران خودرو با فرا رسیدن پایان سال مقدمات اخراج کارگران شروع شده است. این روالی است که سرمایه داران در بخشهای مختلف کمابیش به پیش میبرند. امسال نیز از یکماه پیش زمزمه هائی مبنی بر احتمال اخراج تعدادی از کارگران در پایان سال در بین کارگران دهان به دهان میشد.

ایتکو پرس

در چند روز اخیر توسط دادفر مدیر کل ایتکو پرس و بلوری مدیر تولید لیست ۷۵ نفره ای از کارگران قراردادی سایت یک ایتکو پرس برای اخراج تعیین شده است. اخراج این کارگران حداکثر تا دو هفته آینده قطعی است. تا این لحظه اسامی کارگران اخراجی اعلام نشده است. با جدی شدن خبر اخراج و

نامعلوم بودن لیست، فضای نگرانی از اخراج و بیکاری در این روزهای پایانی سال بر زندگی کارگران و خانواده های محروم شان سایه افکنده است.

<http://khodrokar.blogfa.com>

اعتراض کارگران ایتکو پرس به عدم پرداخت عیدی پایان سال

عیدی پایان سال کارگران چه شد؟

بیش از ۱۷۰۰ نفر از کارگران سایتهای یک و دو ایتکو پرس و همچنین بیش از ۴۵۰۰ نفر از کارگران شرکت مهر کام پارس ایران خودرو تا این لحظه موفق به دریافت مبلغ ناچیز عیدی پایان سال خود نشده اند. یکی از مسئولین مالی ایران خودرو به کارگران معترض گفته است: زمان پرداخت عیدی های شما معلوم نیست، فعلا پول نداریم!

بعلت اخراجها، تعویق در پرداخت دستمزدها، و عدم پرداخت عیدی کارگران در این دو مرکز فضا ملتهب است. کارگران بخشا اعتراض خود را با کم کاری بروز میدهند.

(به نقل از وبلاگ کارگران ایرانخودرو)

با توجه به همیشگی بودن اخراجهای پایان سال (و در طول سال)، تنها چاره کارگران برای مقابله با آن و دیگر مشکلات، وحدت و تشکیلات است. با توجه به اینکه امکان تشکیل اتحادیه یا سندیکای علنی که ضمن علنی بودن مستقل از دولت و کار فرما باشد وجود ندارد، در نتیجه کارگران باید با تشکیل اتحادیه های مخفی و هسته ها و کمیته های کارگری مبارزات خود را پیش ببرند و در همین حال باید به سمت تشکیل حزب خود و سراسری کردن مبارزات کارگری گام بردارند، تا در نقطه اوج بحرانی آگاهانه با استفاده از ابزار طبقاتی خود (حزب) جمهوری اسلامی وکل سرمایه داری را سرنگون کرده، حکومت کارگری را برقرار نمایند.

کارگران ایرانخودرو برای جلوگیری از تکرار اخراجها در سال آتی (و سالهای بعد) یک سال فرصت دارند اقدام به متشکل شدن از طریق هسته ها و کمیته کارخانه و همچنین اقدام به ایجاد اتحادیه یا سندیکای مخفی کنند، اگرچنین نکنید سال آینده نیز با همین افسوس تکرار خواهید کرد! اخراجهای پایان سال مشکل همه ساله"

مصاحبه

ما در این نشریه تصمیم گرفته ایم با آدمهای واقعی و زنده جامعه مصاحبه کنیم.

اکنون با همسر یک کارگر ساختمانی به نام شیرین مصاحبه می‌کنم.

۱- سلام خانم لطفا خود را معرفی کنید: من شیرین همسر علی هستم.

۲- شما چکاره هستید؟

خانه دار و بیکار

۳- همسر شما چکاره است؟

کارگر ساختمانی

۴- چند سال است که ازدواج کرده اید؟ ۵ سال

۵- به طور تقریبی درآمد شما در ماه چقدر است؟

اگر همسر همواره همیشه کار داشته باشد که امکان پذیر نیست ۳۰۰ تا ۴۰۰ و گاهی هم ۲۰۰ هزار تومان ما همیشه بدهکار هستیم.

۶- آیا با وضعیتی که وجود دارد و بحران بیکاری که هست و در آینده چند برابر هم خواهد شد چه پیش خواهد آمد؟ من از زمانی که ازدواج کرده ام همیشه درد و رنج بیکاری مرا آزار داده است.

حتی زمانی که بچه بودم پدر و برادر ام از بیکاری می‌نالیدند ولی حالا می‌بینم خودم هم به این وضع دچار شده ام من هیچگاه فکر نمی‌کنم که وضعیت پیش آمده بهتر از این بشود و می‌دانم که در آینده شاهد بیکار شدن دسته جمعی کارگران کارخانه ها خواهیم بود

۷- خانه، دارید؟

نه، مستاجر هستیم.

۸- چقدر اجاره خانه می‌دهید؟

۸۰,۰۰۰ تومان، ۳ میلیون هم پول پیش داده ایم. یک خانه ۴۰ متری.

۹- می‌دانم با اینهمه خرج و مخارج زیاد، شما به سختی قادر به زندگی کردن هستید مابقی نیاز شما برای رفع مایحتاج زندگی از کجا تامین می‌شود؟

ما مدام قرض گرفته ایم، وام گرفته ایم و خرج هزینه زندگی کرده ایم به خیلی از دوستان و بانک بدهکاریم.

۱۰- آیا برای عید از طرف کار فرما عیدانه و پاداش آخر سال دریافت می‌کنید؟

سال نو مبارک

امسال نیز با مشکلات فراوانی به سال نو نزدیک می‌شویم همچون سالهای قبل هزینه زندگی بسیار بالا و دستمزدها بسیار ناچیز، نگرانی از بیکاری و اخراج، خود سال نو همیشه مزید ی بر علل مشکلات و باعث نگرانی های فراوان بوده و هست، گران شدن هزینه های چون آب و برق، گاز و تلفن، از طرفی وضعیت بنزین و گران کردن گازوئیل، هزینه های خرید عید و دید و بازدید، واگر دری به تخته ای بخورد مسافرتی برای ما کارگران "امکان" داشته باشد تدارک آن مکفاتی دارد در حین سفر دهها حسرت را به خود باید هموار کنیم، پس از بازگشت باید پشیمانی از بدهکار شدن را ...

حتی این مشکلات به ظاهر کوچک نیز تحت تسلط حاکمیت سرمایه داری حل نخواهد شد یعنی برای حل همین مشکلات کوچک نیز باید سوسیالیسم رابر قرارکنیم. همچنین با توجه به اوضاع بحرانی، امسال نسبت به سالهای قبل دهها بار بدتر شده و خواهد شد. با تشدید بحران سرمایه داری بوی تعفن گندیدگی این نظام بی نهایت تشویش و نگرانی ایجاد کرده است. که راهی جز افزایش ستیز و مبارزه با آن برای سرنگونیش وجود ندارد.

کارگران، زحمتکشان و مردم آزاده !!!

ما ضمن تبریک سال نو، می‌خواهیم بایندیشید. که آیا با وجود نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی می‌توان آرامش و آسایش داشت؟

امید داریم شما نیز به نتیجه ای که ما اعتقاد داریم برسید. تا با همبستگی طبقاتی و مبارزه متحدانه در راه آزادی و برقراری سوسیالیسم سال ۱۳۸۹ را بدون جمهوری اسلامی جشن بگیریم.

با آروزی چنان روزی

منتظر پیوستن شما به مبارزه برای نابودی جمهوری اسلامی هستیم.

گفتم همسر من کارگر ساختمانی است روز مزدی کار می‌کند هیچ چیزی ندارد نه بیمه نه پاداش نه مزایا نه عیدی و نه به عنوان بشر به او نگاه می‌شود همانند یک برده خریداری می‌شود روز بعد یک نفر دیگر او را می‌خرد ما حتی آنقدر پول نداریم که برای عید دیدنی اقوام خود به شهرستان برویم و سری بزنیم.

۱۱- شما در ماه چقدر گوشت و برنج و میوه و سبزیجات مصرف می‌کنید؟

ما بطوریکه حساب کرده ایم کلا در سال ۶ کیلو گوشت یعنی هر ماه نیم کیلو و برنج خیلی کم هر ماه ۲ تا ۲،۵ کیلو و اگر مهمان بیاید تا ۳ کیلو و شاید در ماه بتوانیم تا ۳ کیلو میوه هم بخریم یک روز در تلنکس خواندم مصرف سرانه گوشت در انگلیس ۱۵۰ کیلو می‌باشد وقتی خودم را با یک خانواده انگلیسی مقایسه می‌کردم آنقدر حسرت خوردم که تا سه روز سر درد گرفتم.

۱۲- شما فکر می‌کنید چرا در ایران کارگر زن ساختمانی نداریم؟

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی از آن نوع حکومتهاست که همه چیزش با مذهب عجین است و دین و مذهب در همه جای کره زمین از بدو بوجود آمدنش با زن ضدیت داشته و همچنین نبود فرهنگ مناسب در جامعه مرد سالارانه ایران عللی هستند که ما زن کارگر ساختمانی نداریم اما در اروپا که دست مذهب تا حدودی از زندگی مردم کوتاه شده است می‌بینیم که کارگر جوشکار زن، گچ کار زن، نقاش زن و حتی بنای زن مشغول بکار هستند.

۱۳- ایران یک کشور سرمایه داری است، رشد روز افزون سرمایه داری چه عواقبی خواهد داشت؟

سرمایه داری ایران کماکان در حال رشد است و چون با یک نوع سیستم حکومتی سود جوی می‌کنند و کارگر را استثمار می‌کنند بنظر من به جای رسیده که دیگر مردم به ستوه آمده اند هر لحظه امکان دارد که مردم خود جوش و خود به خود به خیابان بیایند و بر علیه حکومت تظاهرات بکنند و امیدوارم هرچه زودتر این اتفاق بیفتد.

از شما ممنونم که این فرصت رو در اختیار ما گذاشتید.

من هم از شما متشکرم.